

فقر مدیریت کار آمد و عوارض آن

عباس کاظمی

قائم مقام سازمان معلمان ایران

امروزه یکی از وجوه تمایز کشور های توسعه یافته با کشور های در حال توسعه، ویژگیها و شاخص های نظام اداری و مدیریتی آنها می باشند، بخش عمده توسعه و پیشرفت هر کشوری وابسته به کارایی و اثربخشی مدیریت آن بر می گردد، سیاست گذاری ها با وجود انتخاب مدیران ناکارآمد به ضد خود تبدیل می شوند و نه تنها وضع کشور و مردم را بهبود نمی بخشند بلکه بر گرفتاری های موجود می افزایند، انتخاب مدیران تا کنون حکایت از آن دارد که معیار اصلی انتخاب مدیران نه شایستگی و کارایی و تجربه بلکه نوع رابطه با مسئولان و اطاعت از مراکز قدرت می باشد و به همین خاطر شاهد انتخاب آقا زاده ها و داماد ها و خواهر زاده ها و دیگر بستگان مسئولان هستیم.

نتیجه این امر، علاوه بر رانت و فساد و عدم شفافیت و عدم پاسخگویی، به حاشیه رفتن نیروی انسانی متخصص و شایسته و شکل گیری پدیده موج های مهاجرت متخصصان به دیگر کشور ها می باشد، که حجم زیان این سرمایه نیروی انسانی غیر قابل جبران می باشد. ناتوانی های مدیریتی در کشوری با منابع و ثروت فراوان مانند ایران، بخاطر عدم توان شناخت چالش ها و انتخاب استراتژی های غلط، کشور را با ابر چالش های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و زیست محیطی مواجه ساخته که نه تنها عدم اعتماد مردم و افزایش فاصله حکومت گران و شهروندان را در پی خواهد داشت بلکه امر توسعه کشور را کند و به تعویق خواهد انداخت. بعنوان نمونه سیاست پرداخت یارانه که قرار بود الگوی مصرف را اصلاح نماید، با افزایش نقدینگی تورم را دامن زد و بر مشکلات افزود و سوء مدیریت در حوزه آب موجب برداشت بی رویه از منابع آبی و گسترش کشاورزی غیر کارشناسی شد و بحران آب را پدید آورد، در حوزه آموزش نیز نه تنها چالش های موجود مرتفع و تعدیل نشد بلکه بر لیست چالش ها و مطالبات جامعه معلمان هر ساله افزوده شده است. تا زمانی که معیاری علمی و تخصصی مبنای انتخاب مدیران نگردد، هم چنان موضوع توسعه متوازن دور از دسترس خواهد بود.